

انتخابات ایران و خشونت های کلامی در شبکه های اجتماعی

گفتگوی شیرین فامیلی با علی اصغر رضا نژاده و مهرداد درویش پور

در روزهای برگزاری انتخابات مجلس شورا و مجلس خبرگان در ایران، علاوه بر بحث ها و نقدهای پر شور انتخاباتی بین ایرانیان بر روی شبکه های اجتماعی، گهگاه بازار توهین و خشونت های کلامی نیز رواج داشت.

البته برخوردهای از روی خشم و عصبانیت که به ابراز چنین خشونتی می انجامید، بیشتر از طرف ایرانیان خارج از کشور دیده می شد، در حالی که بحث ها و انتقادات در داخل ایران اغلب با چاشنی طنز و لطیفه همراه بود.

دو انتخابات اخیر در ایران یکی از حساس ترین رویدادهای سیاسی پس از انقلاب در ایران بود که نتایج غیر منتظره آن نیز، اهمیت این رویداد را نشان می دهد. اما خشونت کلامی در بحث های ایرانیان روی شبکه های اجتماعی صرفا مربوط به اهمیت این انتخابات نیست و در دوره های انتخاباتی گذشته و یا رخداد های سیاسی دیگر نیز شاهد این نوع رفتار در فضای مجازی بوده ایم.

علی اصغر رضانیپور تحلیل گر سیاسی و معاون وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی با ذکر این نکته که او به این مسئله از زاویه یک بحث نظری نگاه می کند به یورونیوز می گوید: «این بحث از میان منتقدان ادبی در دهه پنجاه میلادی به مردم شناسان و انسان شناسان منتقل شد و آنها به عنوان "فرهنگ شفاهی" این موضوع را دنبال کردند. فرهنگ شفاهی، مربوط به دوره پیش از آن است که نوشتن، مناسبات بین مردم و افراد را اداره کند. در فرهنگ شفاهی که به نظر مردم شناس ها در فرهنگ های مثل ایران هنوز تداوم دارد، حرف زدن به مثابه تفکر تلقی نمی شود، بلکه به عنوان اقدام و عمل تعریف می شود. در حرف زدن، بیشتر بر بار هیجانی تکیه می شود تا بار مضمونی و محتوایی. این پیشینه فرهنگ شفاهی در بحث ها و در کلام ما ایرانی ها وقتی بیشتر خود را نشان می دهد که سخن گفتن جایگزین حوزه ای می شود که در آنها امکان عمل وجود ندارد. به همین دلیل هم، شبکه های اجتماعی ما

بیشتر در زمینه هایی شاهد ادبیات و گفتگوی خشن هستند که در آن حوزه ها در عرصه واقعی بیرونی و اجتماعی مردم اجازه گفتگو و یا عمل بر اساس گفته هایشان ندارند. بنابراین بار احساسی در آن زیاد است و این زمینه را برای بکار بردن ادبیات خشن فراهم می کند.»

عل اصغر رمضانپور همچنین از زاویه دیگری برخوردهای هیجانی و آمیخته به ادبیات خشن در شبکه های مجازی را مورد توجه قرار داده و می گوید: «از نگاه منطق اجتماعی و فردی، فرد به هنگام ترس و خشونت یا هیجاناتی که ناشی از بحث با مخاطب دیگری در او بوجود می آید، گاهی فرایند جایگزینی در او شکل می گیرد. بطورعینی تر اگر بگویم، مثلا بسیاری از کسانی که به حکومت ایران بدبینی دارند یا از آن عصبانی هستند و خشم دارند که خوب دلایلشان هم بسیار منطقی است و نمی توان آن را انکار کرد، چون نمی توانند با صاحبان حکومت در ایران گفتگو بکنند و یا ارتباط داشته باشند و صدایشان شنیده نمی شود و یا به دیواری از سکوت، بی تفاوتی، بی پاسخی و بی اعتنایی بر می خورند، در بسیاری موارد این خشم و این هیجان را روی کسانی بازتاب می دهند که در ایران مثلا می روند رای می دهند و یا حمایت می کنند از رای دادن و یا کسانی که به نوعی و در مواردی اقدامات حکومت را تایید می کنند. بنظر من در اینجا خشونت مخالفان جایگزین می شود روی این افراد و به همین دلیل هم ما این را در فضای خارج از کشور برجسته تر می بینیم. در درون ایران چه فعالان سیاسی و چه آنهایی که خود را از فضای سیاسی بیرون می کشند، چه مثلا رای می دهند و چه رای نمی دهند، معمولا زمینه های عملی برای ابراز اقدام دارند. ولی در خارج از کشور به دلیل اینکه آنها این هیجان و خواست خود را نمی توانند بروز بدهند، واکنش های تند در شبکه های اجتماعی بیشتر می شود.»

اما آیا میان پلمیک یا بحث سیاسی که گاه تند می شود و آنچه در ادبیات کلامی توهین تعریف می شود مرزی وجود دارد؟ علی اصغر رمضانپور می گوید که دو مرز کلامی وجود دارد و می افزاید: «یکی وقتی است که فرد به جای تحلیل کردن آن مفهومی که طرف مقابل در حال گفتن است، به خود او حمله کلامی می کند و در حقیقت به نیت و قصد او حمله می کند. مثلا اینکه او چه سودی از این مسئله مورد بحث می برد یا نمی برد. یعنی وقتی کسی از مرز نقد نظر فراتر می رود و صاحب نظر را نقد می کند معمولا به حوزه خشونت کلامی نزدیک تر می شود. دوم وقتی است که فرد مفاهیمی را بکار می برد که به گفتگو نزدیک نیست. مثلا در حال بحث در مورد یک موضوع اقتصادی و یا سیاسی

عمومی است ولی یکباره مسئله را به یک مفهومی می کشاند که این مفهوم بار ارزشی خیلی تند و معناداری می تواند داشته باشد. به تعبیر دیگر نباید از کلماتی استفاده شود که خود آن کلمات می تواند در جامعه معنای توهین آمیز از آن استنباط شود.»

اما خشونت گفتاری و نوشتاری در روابط اجتماعی و فرهنگ سیاسی جوامع مختلف تا چه میزان منشاء درونی و روانشناختی دارد و تا چه حد به واقعیات جامعه مبداء و تجربه و تمرین دمکراسی و رواداری مربوط می شود؟

مهرداد درویش پور استاد جامعه شناسی در سوئد در بررسی خشونت کلامی که بویژه در حوزه بحث های سیاسی در فضای مجازی صورت می گیرد، به عوامل بیرونی توجه بیشتری می کند. او بر مسئله نبود دمکراسی در جامعه ایران تاکید دارد و می گوید: «به هر حال دمکراسی در جامعه ایران درونی نشده است و این مسئله خود را بازتاب می دهد. ما که نمی توانیم یک جامعه ای با حکومت استبدادی داشته باشیم، ولی انتظار داشته باشیم که مثلا جامعه سیاسی آن و یا جامعه اپوزیسیون آن کاملا از فرهنگ دمکراتیک برخوردار باشند و کلام و زبان سیاسی آنها متأثر از خشونت سیاسی و استبدادی آن جامعه نباشد. اینکه بخش بزرگی از اپوزیسیون سیاسی در خارج از کشور هستند و باید از شرایط جامعه های دمکراتیکی که در آن بسر می برند، بهره ببرند، بطور نسبی قابل انتظار و پذیرش است. اما باید به این واقعیت توجه کنیم که بخش بزرگی از جامعه تبعیدی اصلا در زندگی اجتماعی و فرهنگی و فعالیت های دمکراتیک این جوامع غربی حضوری ندارند و بیشتر از راه دور به تکاپوهای سرزمین مادری می پردازند. بنابراین از یک سو بی ارتباطی و یا کم ارتباطی با جامعه تازه و از سوی دیگر یک نوع رویکرد نوستالژیک به جامعه گذشته و مادری زمینه ساز می شود. بسیاری از گروه های تبعیدی، تلقی شان از جامعه ایران به روز نیست! تصویر آنها از ایران تصویری است مربوط به دورانی که ایران را مثلا در سال ۵۸ و یا دهه ۶۰ ترک کردند. بخصوص که بسیاری از آنها زندان رفتند، زخم خوردند و کسانی را از دست دادند. بنابراین تصویرشان از ایران مبتنی بر نفرت، مغبونیت و نوعی بازندگی است.»

مهرداد درویش پور در ادامه با تاکید بر این که جامعه ایران هم مثل هر جامعه ای در حال تحول است و تحرک هایی دارد می افزاید: «این جامعه که منتظر نمی شود ببیند سرنوشت تبعیدی ها چه می شود و همانطور که دینامیزم تحولات در آن شدت پیدا می کند این شکاف و در نتیجه آن خشونت کلامی و زبانی هم بیشتر می شود.»

عامل دیگری که مهرداد درویش در مورد بروز خشونت کلامی در فضای مجازی از آن نام می برد، نقش خود حکومت در نهادینه کردن فرهنگ خشونت در مردم ایران است. آقای درویش پور می گوید: «حکومت جمهوری اسلامی در طول این ۳۷ سال خشونت را به یک بخش از زندگی روزمره و متعارف مردم تبدیل کرده است. اگر از این منظر نگاه کنیم می بینیم مردم در برابر خشونت به نوعی واکنش پیدا کرده اند و این هم کمک می کند که به سادگی خشونت های کلامی در فضای مجازی رواج پیدا کند. وقتی مردم می روند صحنه سنگسار را از نزدیک تماشا می کنند، وقتی مردم شاهد خشونت شبانه روزی هستند، این انتظار که حساسیت آنها بالا باشد به نظرم غیر واقعی است. حتی عکس آن است، یعنی مردم از کلام خشونت آمیز و رفتار خشونت آمیز استفاده می کنند بدون آنکه برای آن قبحی قائل باشند.»

عامل سومی که مهرداد درویش پور جامعه شناس در سوئد، به آن اشاره دارد نقش خود فضای مجازی است که بدون هیچ تاوانی این فرصت را فراهم می کند تا خشونت کلامی همگانی شود و این مورد ربطی هم به ایران و جامعه ایرانی و حکومت ندارد. او می گوید: «فضای مجازی یک نوع گسترش ولگاریسم و ابتذال را هم ایجاد کرد. شما اگر در کوچه و خیابان به کسی توهین کنید، می شود از شما شکایت کرد و می شود به هزار و یک شکل واکنش نشان داد. اما فضای مجازی که در آن حتی افراد می توانند به شکل گمنام حضور پیدا کنند، این امکان را فراهم آورده که شدیدترین خشونت های کلامی رد و بدل شود، بدون آن که فرد نگران پیامدهای آن باشد. در اغلب موارد نه قابل پیگیری و نه قابل شناسایی است. چون فرد با مخاطب مستقیم و آشنایی هم روبرو نیست و یا مقابلش بطور واقعی قرار ندارد. آن حس حجب و حیا و یا شرم هم وجود ندارد.»

مهرداد درویش پور بر این نظر است که به طور کلی در تمام جهان، بررسی های جامعه شناسی درباره رابطه این گفتگوهای مجازی با خشونت نشان می دهد که فضاهای مجازی اگر چه شرایط خوبی را برای گفتگوهای سازنده فراهم کرده اند، متأسفانه همزمان امکان گسترش خشونت کلامی در میان کاربران را هم ایجاد کرده اند.